

## دیپلماسی عمومی آمریکا در ایران دوره پهلوی (مطالعه موردی سپاهیان صلح ۱۳۴۱-۱۳۵۵ش)

رضا بیگدلو (نویسنده مسئول)

استادیار تاریخ پژوهشگاه مطالعات اجتماعی و علوم انتظامی ناجا

bigdelor@gmail.com

ثریا مرسلی

کارشناس ارشد علوم اجتماعی دانشگاه فرهنگیان

morsalin@gmail.com

### چکیده

یکی از ابتکارات جان اف. کندی رئیس جمهور آمریکا در تداوم برنامه اتحاد برای پیشرفت و در راستای دیپلماسی عمومی و بهبود وجهه آمریکا در جهان سوم، تشکیل سپاهیان صلح (گروه صلح) در سال ۱۹۶۱م بود. اعضای سپاهیان صلح، جوانان دانشجو و دانش آموزان دانشگاه‌های آمریکا بودند که به صورت داوطلبانه به این گروه پیوسته بودند و بعد از دیدن آموزش‌های لازم به کشورهای دیگر اعزام می شدند. آموزش نیروی انسانی و همچنین کمک به تفاهم بیشتر ملت‌ها با آمریکا و به عبارت بهتر صدور فرهنگ و شیوه زندگی آمریکایی، از اهداف عمده سپاهیان صلح بود. این مقاله با استفاده از روش اسنادی-تحلیلی به دنبال پاسخ به این پرسش است که: زمینه و اهداف حضور و فعالیت سپاهیان صلح در ایران چه بوده است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که فعالیت سپاهیان صلح، جزئی از برنامه‌های رقابت ایدئولوژیکی بین دو بلوک شرق و غرب در دوران جنگ سرد بود. سپاهیان صلح، یکی از ده‌ها ابزار دیپلماسی عمومی آمریکا بود که برای آموزش و تبلیغ فرهنگ و زندگی آمریکایی و الگوسازی آن در کشورهای زیر نفوذ آمریکا از آن استفاده می‌شد.

**کلیدواژه‌ها:** سپاه صلح؛ دیپلماسی عمومی؛ ایالات متحده آمریکا؛ دولت پهلوی؛ اتحاد برای پیشرفت.

## ۱. مقدمه

دیپلماسی عمومی<sup>۱</sup> جایگاه ممتازی در راهبردهای سیاسی و امنیتی کشورها از دوران جنگ سرد به بعد پیدا کرده‌است و دلیل آن تحول در ساختار قدرت در جهان و جابه‌جایی منابع قدرت از سخت به نرم از یک‌سو، و افزایش نقش افکار عمومی در مناسبات بین‌المللی و تأثیرگذاری فرهنگ بر روابط بین‌الملل و نیز اهمیت طبقات اجتماعی در تعیین سیاست‌های خارجی و داخلی از سوی دیگر است. قدرت نرم<sup>۲</sup> واژه‌ای است که در نظریه‌های روابط بین‌الملل برای توصیف توانایی یک واحد سیاسی برای تأثیرگذاری بر رفتار یا منابع سایر واحدها از طریق شیوه‌های فرهنگی و ایدئولوژیکی به کار می‌رود. از منظر جوزف نای<sup>۳</sup> تئوریسین این مفهوم، قدرت نرم توانایی به‌دست‌آوردن خواسته‌ها از طریق ایجاد جذابیت به‌جای اجبار است (نای، ۱۳۸۹، ص ۲۴). این کار از طریق جذابیت‌های فرهنگی، ایده‌های سیاسی و... انجام می‌شود. قدرت نرم، فقط نفوذ نیست، هرچند یکی از ابزارهای نفوذ است. قدرت نرم، توانایی شکل‌دادن به سلاقی و اولویت‌های دیگران است و اهمیت بیشتری در مقایسه با سایر اشکال قدرت دارد (Rugh, 2009, p4). به‌طور کلی، زمانی که سیاست‌ها در چشم دیگران مشروعیت می‌یابد، قدرت نرم تقویت شده‌است (صبوری، ۱۳۹۰، ص ۳۷). مؤلفه‌های قدرت نرم به دسته‌ای از قابلیت‌ها و توانائی‌های یک کشور مانند فرهنگ، آرمان یا ارزش‌های اخلاقی، نوع حکومت، روحیه ملی، و سیاست خارجی عامه‌پسند گفته می‌شود. قدرت نرم، افکار عمومی خارج و سپس داخل کشور را مخاطب قرار می‌دهد. از نظر بسیاری از پژوهشگران، قدرت نرم دارای ارزش و اهمیتی برابر با قدرت نظامی است؛ زیرا اگر دولتی بتواند سیاست‌هایش را در نظر دیگر کشورها مشروع جلوه دهد، با کمترین مخالفت در برابر آن‌ها مواجه می‌شود؛ علاوه بر این، وجود ایدئولوژی و فرهنگ جذاب و سرگرم‌کننده، تمایل افراد را به این‌گونه برنامه‌ها افزایش می‌دهد و حتی قادر به جلب حمایت نهادهای بین‌المللی در راستای اهداف خود می‌شود (علی‌پور، ۱۳۹۰، ص ۳).

اگر ابزارهای نفوذ یک کشور در کشور دیگر را به دو دسته رسمی و غیررسمی تقسیم کنیم، دیپلماسی عمومی، زیرمجموعه ابزارهای غیررسمی است و هدف دیپلماسی عمومی،

1. Public diplomacy  
2. Soft power  
3. Josef nye

گسترش نظام‌مند اطلاعات برای نفوذ و تأثیر گذاری بر افکار عمومی است. به‌طور کلی، دیپلماسی عمومی، تکمیل‌کننده دیپلماسی رسمی است. دیپلماسی عمومی برخلاف دیپلماسی رسمی و سنتی، آشکار و علنی و بسیار گسترده است، در صورتی که دیپلماسی دولتی معمولاً غیرشفاف و محدود است. آنچه در دیپلماسی رسمی به آن توجه می‌شود، رفتار و نوع عملکرد و مواجهه با دولت‌هاست، در حالی که موضوع دیپلماسی عمومی، نوع رفتار و نگرش مردم است؛ بنابراین مخاطبان دیپلماسی عمومی، گروه‌های خاص یا عموم مردم یک جامعه هستند.

هر زمان که دیپلماسی رسمی نتواند رویدادها و برنامه‌ها را به‌طور کامل رهبری و کارگردانی کند، دیپلماسی عمومی تلاش می‌کند تا با ابزارهای فرهنگی و ارتباطی، طرز تفکر گروه‌های قابل توجه را تسخیر کند (شیلر، ۱۳۹۰، ص ۸۵).

دیپلماسی عمومی برنامه‌های مورد حمایت یک دولت در سیاست خارجی است که شامل تصاویر متحرک (سینما، فیلم، انیمیشن)، تبادلات فرهنگی، انتشار کتاب، ایجاد کتابخانه‌ها، پخش شبکه‌های رادیو و تلویزیونی بین‌المللی، آموزش زبان، نمایشگاه‌ها، جشنواره‌های هنری و اعزام هنرمندان نمایشی به خارج از کشور است. دادن بورسیه‌های دانشجویی، ایجاد انجمن‌های دانشجویی برای مدیریت دانشگاه‌ها و نشان دادن جنبه‌های مثبت کشور، از دیگر اقدامات در این باره است (آشنا، ۱۳۸۴، ص ۱۵). در برهه زمانی بعد از جنگ جهانی دوم، توجه سیاستمداران آمریکایی به دیپلماسی عمومی در قالب برنامه‌های متعددی مانند بورس نخبگان و دانشجویان (برنامه فولبرایت)، انجمن دوستی ایران و آمریکا، و چندین برنامه دیگر، صورت می‌گرفت. در این میان، گروه سپاهیان صلح، یکی از ابزارهای مهم دیپلماسی عمومی آمریکا در کشورهایی مانند ایران بود. جوانان داوطلب آمریکایی که بیشتر از اقشار تحصیل کرده و دانشجویان بودند، برای بهبود وجهه آمریکا و نیز ترویج فرهنگ آمریکایی و الگوسازی آن برای اقشار و طبقات اجتماعی در امور مختلف فعالیت می‌کردند. درباره فعالیت سپاهیان صلح در ایران، به‌جز اشاراتی پراکنده در برخی کتاب‌ها، کار چندانی صورت نگرفته، و فقط ویدا همراز یک مقاله در این موضوع نوشته‌است.

پژوهش حاضر قصد دارد -با بررسی اسناد، مجلات و منابع مربوط- به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. زمینه‌های حضور و فعالیت سپاهیان صلح در ایران چه بود؟
۲. سپاهیان صلح از منظر دیپلماسی عمومی چه نقشی برعهده داشتند؟
۳. این‌گونه اقدام‌های دولت آمریکا چه نتیجه‌ای در برداشت؟

## ۲. دیپلماسی عمومی آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم در ایران

سیاست خارجی آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم و با ارائه دکترین ترومن بر اساس تقابل دو ایدئولوژی متخاصم سرمایه‌داری و کمونیسم استوار شد. این دو ایدئولوژی در حوزه‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی رودرروی هم قرار گرفتند. انگلستان بعد از جنگ جهانی دوم به علت ضعف مفرط، مجبور به ترک صحنه بین‌الملل به نفع آمریکا شد و آمریکا در مقام رهبر بلوک غرب در مقابل تهدیدهای کمونیسم در هر نقطه از جهان، احساس مسئولیت می‌کرد. بدین جهت، نگاه دولت‌مردان آمریکایی به مقوله دیپلماسی عمومی، به‌طور کامل عوض شد. دولتمردانی مانند فولبرایت و مک‌لیش،<sup>۱</sup> می‌گفتند: در جهان تقسیم‌شده‌ای که موضوع و محور اصلی آن فرهنگ است، روابط فرهنگی اهمیت فراوانی دارد؛ زیرا فرهنگ مانند همه چیز است و در چنین جهانی، شکست یک فرهنگ، شکست یک جبهه خواهد بود.

در سال ۱۹۴۶، کتاب رویکرد فرهنگی، راه دیگری در روابط بین‌المللی<sup>۲</sup> با مقدمه و حمایت مک‌لیش چاپ و منتشر شد و در نتیجه، دولتمردان آمریکا و سنا متقاعد شدند که باید برای دیپلماسی عمومی، بودجه مصوب در نظر بگیرند (Arendt, 2006, pp106-107).

در مناطقی استراتژیک مانند ایران و خاورمیانه، حساسیت برای مسائل فرهنگی و دیپلماسی عمومی بسیار شدید بود. بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، روابط ایران و آمریکا وارد مرحله‌ای جدید شد. روابط سیاسی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی به‌گونه‌ای بی‌سابقه افزایش یافت؛ به‌طوری که سفارت آمریکا در تهران به بزرگ‌ترین هیئت دیپلماتیک آمریکا در خاورمیانه تبدیل شد و تعداد کارکنان آن به دو هزار نفر افزایش یافت (سولیوان و پارسونز، ۱۳۸۴، ص ۳۵).

بعد از کودتای ۲۸ مرداد، کمک‌های اقتصادی، نظامی، و اعزام مشاوران آمریکایی به ایران افزایش یافت. هدف از کمک‌ها این بود که ایران به رشد اقتصادی و ثبات سیاسی-اجتماعی لازم دست یابد تا بتواند در مقابل نفوذ کمونیسم و فشارهای اجتماعی و اقتصادی داخلی بایستد. بدین دلیل، هیئت‌های دولتی و خصوصی که ارائه‌دهنده کمک‌های اقتصادی و اجتماعی بودند، در عرصه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران حضور پیدا کردند. برای نمونه، بنیاد فورد، گروه مشورتی دانشگاه هاروارد، بنیاد خاور نزدیک، دوستان آمریکایی خاورمیانه، بانک چیس مانهاتان،

1. A. Macleish

2. The cultural approach; another way in international relation

کمپانی برادران لازاردو و... شروع به فعالیت در ایران کردند (بیل، ۱۳۷۱، ص ۲۰۱).  
مرحله جدی در برنامه‌های فرهنگی آمریکا از دهه ۴۰ شمسی/۶۰ میلادی شروع شد (توضیح اینکه: به علت دیکتاتوری محمدرضا شاه در سال‌های بعد از کودتا، فساد فزاینده، و رابطه یک‌سویه دولت با طبقات اجتماعی، نتیجه دلخواه از کمک‌های اقتصادی و نظامی آمریکا به رژیم شاه گرفته نشد).

در دهه ۱۹۴۰، بررسی‌ها و مطالعات کارشناسان اطلاعاتی، اقتصادی و اجتماعی آمریکایی رژیم شاه را به علت موج فزاینده نارضایتی‌ها، در آستانه سقوط به تصویر می‌کشیدند. و هم‌زمان تبلیغات ایدئولوژیک شوروی هم علیه نظام سرمایه‌داری اوج گرفته بود. از طرفی کوبا در نزدیکی خاک آمریکا به کشوری کمونیستی تبدیل شده بود و احزاب و گروه‌های کمونیستی در کشورهای اروپایی و جهان سوم، همچنان فعال بودند. رژیم شاه در نوک پیکان تبلیغات و حملات کمونیست‌ها و شخص خروشچف - رهبر شوروی - قرار گرفته بود. خروشچف با انتقاد شدید از شاه، او را به بی‌کفایتی در مدیریت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور متهم و رژیم وی را به سبب گندیده‌ای تشبیه می‌کرد که دیر یا زود با انقلاب خلق‌های ایران به دامن شوروی خواهد افتاد (شوکراس، ۱۳۶۹، ص ۱۰۰).

با گسترش نارضایتی عمومی از دولت پهلوی در سال‌های پایانی دهه ۳۰ شمسی و کاهش شدید وجهه دولت آمریکا، شاه برای انجام اصلاحات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مدنظر آمریکا، زیر فشار قرار گرفت.<sup>۱</sup> آمریکا از فساد و بی‌کفایتی دولتمردان ایران به شدت ناراضی بود (بیل، ۱۳۷۱، ص ۲۰۹) و این نارضایتی را در کاهش کمک‌های اقتصادی و نظامی به ایران نشان داده بود. افزون بر آن، سفیر آمریکا نیز مرتب شاه را به سبب فساد گسترده و سوء مدیریت دولت‌مردان، سرزنش می‌کرد.<sup>۲</sup>

۱. خداداد فرمانفرمایان از مدیران ارشد سازمان برنامه‌بودجه در این زمینه می‌گوید: «در زمینه برنامه‌های انقلاب سفید و مخصوصاً اصلاحات ارضی همه‌مان می‌دانستیم که امریکائیان از زمان آیزنهاور روی این مطلب فشار آورده بودند و این اصلاحات برایشان یک مسئله اساسی شده بود. تمام مشاوران امریکایی روی این مطلب پافشاری می‌کردند و به اصطلاح ما را هدایت می‌کردند» (توسعه در ایران...، ۱۳۸۱، ص ۲۳۷).

۲. فرح در خاطراتش می‌گوید که کندی پیغام تندی به شاه داد و سفیر آمریکا نیز بدون وقت قبلی یکسره به دفتر شاه رفت و اخطار کرد که اعلی‌حضرت باید هر چه زودتر دست به اصلاحات اجتماعی بزنند؛ زیرا اطلاعات ما نشان می‌دهد که فشارهای دولت و ساواک و ارتش، کشور را در آستانه انفجار اجتماعی قرار داده‌است (پهلوی، ۱۳۸۲، ص ۱۳۶۸).

هرچند عموم پژوهشگران، زمان تصمیم دولت آمریکا را برای انجام اصلاحات در دوره ریاست جمهوری کندی می‌دانند؛ ولی در واقع این موضوع از چندین سال قبل‌تر از آن شروع شده بود. گزارش‌های سازمان سیا در این سال‌ها حاکی از نگرانی آن سازمان از اوضاع ایران و بیم از گسترش کمونیسم و ناتوانی شاه از انجام اصلاحات است. بازداشت سرلشکر ولی‌الله قزنی در ۸ اسفند ۱۳۳۸ به همراه ۳۷ نفر دیگر به اتهام کودتا، در واقع هشدار بی‌شائبه برای متقاعد کردن وی برای انجام اصلاحات.

اعلامیه رسمی دولت اظهار می‌داشت که یک کشور خارجی در این ماجرا دخالت داشته‌است؛ ولی اسناد وزارت خارجه آمریکا، روشن می‌سازد که قزنی قبل از شروع کودتا با سفارت آمریکا در تماس بوده‌است (میلانی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۳).<sup>۱</sup> انتقادات از رژیم شاه با روی کار آمدن جان. اف. کندی<sup>۲</sup> - رئیس‌جمهور آمریکا - در سال ۱۹۶۱ اوج گرفت. مطبوعات آمریکا در گزارش‌ها و مقاله‌های فراوان درباره سیاست خارجی آمریکا، حمایت آمریکا از حاکمان مستبدی مانند شاه را زیر سؤال می‌بردند. اعضای کمیته روابط خارجی کنگره به رهبری سناتور دمکرات ویلیام فولبرایت، با لحنی گزنده، حکومت شاه را زیر سؤال بردند و آینده حکومت دیکتاتوری او را پایان یافته تلقی کردند. آن‌ها با مقایسه وضعیت ایران و کوبا، توصیه کردند که تا دیر نشده‌است، دولت آمریکا باید اقدام‌های لازم را انجام دهد (... Foreign relation of the united states. 1993, Vol. XII, pp190-192).

از سوی دیگر، وجهه عمومی آمریکا در جهان سوم عموماً، و در ایران خصوصاً، به شدت دچار خدشه شده بود و دیگر از آن نگاه مثبت ایرانیان، قبل از جنگ جهانی دوم، به این کشور نه تنها چیزی باقی نمانده بود، بلکه ایرانیان به دلایلی متعدد مانند اقدام آمریکا به کودتای ۲۸ مرداد، حمایت از شخص شاه، تأسیس ساواک و... به شدت از این کشور متنفر شده بودند. اعتبار آمریکا در چشم بسیاری از ایرانیان در دو دهه منتهی به انقلاب، به شدت دچار خدشه شده بود (Blake, 2009, p188). تبلیغات گروه‌ها و احزاب چپ علیه امپریالیسم آمریکا، که آن را

۱. غلامرضا نجاتی نیز چنین عقیده‌ای درباره کودتای قزنی دارد (نجاتی، ۱۳۷۳). کیانوری هم عقیده دارد که امریکائیان برای انجام دادن اصلاحات مدنظر خود صریحاً شاه را تهدید کرده بودند (کیانوری، ۱۳۷۲، ص ۴۰۶). فرح هم کودتای قزنی را امریکایی می‌داند (پهلوی، ۱۳۸۲، ص ۳۹۲).

2. John f. kennedy

جانشین استعمار انگلستان می‌دانستند، با عقیده بسیاری از گروه‌های مذهبی و حتی ملی هم‌گره خورده بود. در چنین شرایطی بود که برنامه‌های فرهنگی-اجتماعی آمریکا در ایران و جهان به موازات برنامه‌های اقتصادی-سیاسی وارد مرحله جدیدی شد که عمدتاً از آن با نام دیپلماسی عمومی یاد می‌شود.

کندی با آگاهی از وضعیت انفعالی جهان سرمایه‌داری در برابر کمونیسم و اوضاع نابسامان در برخی از کشورهای جهان سوم مانند ایران و افول وجهه آمریکا در جهان، دکترین «اتحاد برای پیشرفت»<sup>۱</sup> را در مارس ۱۹۶۱ (اسفند ۱۳۳۹) مطرح و اجرا کرد که دیپلماسی عمومی در آن جایگاه خاصی داشت. کندی که پای بسیاری از روشنفکران و استادان دانشگاه‌های آمریکا را به کاخ سفید باز کرده بود، تلاش می‌کرد مبنای برنامه‌های سیاست خارجی خود را بر اساس دیدگاه‌های آنان استوار سازد. وی در سخنرانی‌های خود به مردم کشورهای جهان سوم بهبود وضعیت آن‌ها و یاری‌رساندن به آن‌ها در پاره کردن بندهای فلاکت و بدبختی را وعده می‌داد (Siracusa, 2004, x)؛ کندی همچنین برای ایجاد تغییرات جدی در سیاست خارجی آمریکا، خواستار گسترش نفوذ این کشور در جهان بود.

تحول، انقلاب، ترقی و پیشرفت از مفاهیم رایج در سخنرانی‌های کندی درباره مسائل جهان بود. وی در حالی که بر مقابله با توسعه‌طلبی شوروی تأکید داشت، معتقد بود که کشمکش آمریکا و شوروی از نیمکره شمالی به نیمکره جنوبی بسط و گسترش یافته‌است، جایی که فقر، آشوب‌های داخلی، ناامیدی‌های اجتماعی، و بیکاری، زمینه و شرایط لازم را برای توسعه نفوذ کمونیسم فراهم ساخته‌است.

دیدگاه‌های ایدئالیستی کندی درباره کلیت سیاست خارجی آمریکا در کتاب *استراتژی صلح* وی به خوبی تشریح شده‌است. او این کتاب را در آستانه رسیدن به ریاست جمهوری و در دوران سناتوری خود نوشته بود. او هدف سیاست خارجی دولت آمریکا را نه تنها دفاع از تمامیت جوامع و دموکراسی حاکم بر آن‌ها، بلکه تلاش برای پیشرفت اصل آزادی و قانون جهانی بر اساس صلح پایدار و عادلانه می‌داند (کندی، ۱۳۴۲، ص ۳۸). کندی انتظار داشت که در عصر موشک‌های بالستیک قاره‌پیما، دموکراسی آمریکایی توان دفاع از ادعاهای خود را در عرصه جهانی به دست آورد و باید هنوز هم نشان دهد که می‌تواند با بصیرت و شکیبایی برای آزادی بشر در آسیا،

1. Alliance for Progress

خاورمیانه، آفریقا و آمریکای لاتین که به صورت اقمار شوروی درآمدند، مبارزه کند. کندی برای رسیدن به این اهداف، راه‌کارهایی را ارائه می‌داد که بسیاری از آن‌ها در سال‌های بعد در برنامه اتحاد برای پیشرفت وی دیده می‌شود. از جمله:

- طرح رسالت جهانی برای آمریکا برای اصلاح و پیشرفت کشورهای جهان سوم؛
- گسترش روابط آمریکا با کشورهای دیگر در قالب مبادلات تجاری به صورت علنی و پنهانی؛
- افزایش تماس مردم آمریکا با مردم کشورهای دیگر، مبادلات فرهنگی، علمی، تعلیم و تربیت، سفر هیئت‌های مختلف از هر طبقه و بهبود فعالیت‌های تبلیغاتی (کندی، ۱۳۴۲، ص ۱۶۸).

منطقه خاورمیانه در عرصه سیاست خارجی کندی از جایگاه خاصی برخوردار بود. وی وضعیت کنونی خاورمیانه را نمونه‌ای از کج‌اندیشی‌های آمریکا و غرب درباره آن می‌دانست که منجر به گسترش سلطه و نفوذ شوروی در آن منطقه حساس شده بود. وی یکی از اشتباهات عمده سیاست خارجی آمریکا را در این می‌دانست که به جای پشتیبانی از ملت‌ها، رژیم‌ها را تقویت کرده و آینده خود را با سرنوشت دولت‌ها و حاکمان منفور و در حال سقوط، گره زده و به جای توجه به مسائلی چون ناسیونالیسم، توسعه اقتصادی و مسائل سیاسی محلی، تنها به فکر مقابله با کمونیسم بوده است؛ بنابراین پیشنهاد کرد که مبارزه با فقر، بی‌سوادی، جهل، بیماری، و عقب‌ماندگی باید در اولویت سیاست خارجی آمریکا قرار گیرد (کندی، ۱۳۴۲، صص ۱۸۸-۱۹۷).

### ۳. تأسیس سپاهیان صلح

در راستای برنامه «اتحاد برای پیشرفت»، یکی از ابتکارات کندی در راستای دیپلماسی عمومی و بهبود وجهه آمریکا در جهان سوم، ایجاد سپاهیان صلح<sup>۱</sup> یا گروه صلح بود (Barnes, 2005, p20). داوطلبان سپاهیان صلح، دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های آمریکا بودند که به صورت داوطلبانه به این گروه پیوسته بودند و بعد از دیدن آموزش‌های لازم به کشورهای دیگر اعزام می‌شدند. کندی ایده اولیه خود را درباره سپاهیان صلح در زمان تبلیغات انتخاباتی‌اش در دانشگاه میشیگان و در بین دانشجویان مطرح کرد و اظهار امیدواری کرد که تا پایان سال

1 - Peace corps



۱۹۶۱، حداقل ۵۰۰ داوطلب برای اعزام به جهان سوم پیدا شود. وی اعلام کرد: «من دوست دارم که آمریکا سپاهیان صلحی تشکیل بدهد که آن‌ها با اشتیاق و عقیده، دو سال از عمر خود را با انگیزه‌های بشردوستانه صرف خدمت به کشورهای دیگر کنند» (Laklan, 1970, p5). بعد از انتخابات و به ریاست جمهوری رسیدن کندی، گروه صلح شکل گرفت؛ ولی شمار داوطلبان، بسیار بیشتر از انتظار کندی بود، به طوری که، پس از اولین فراخوان، ۳۰ الی ۴۰ هزار نامه دریافت شد، و تا سال ۱۹۶۸ بیش از ۲۲۲ هزار تقاضانامه به اداره سپاهیان صلح رسید و از این تعداد حدود ۸۰ درصد پس از طی دوره‌های آموزشی، به طور رسمی به گروه صلح پیوستند. هدف تبلیغاتی آن‌ها، تلاش برای برقراری صلح بود.

آن‌ها اعلام می‌کردند که هرچند نمی‌توانند صلح را برای جهان به ارمغان آورند؛ ولی وظیفه خود را در این زمینه ایفا می‌کنند (Laklan, 1970, p6). کندی شوهر خواهرش سارجنت شرایور را که از اعضای اصلی ستاد انتخاباتی وی بود، به ریاست سپاه صلح برگزید. این تشکیلات از نهادهای وابسته به وزارت خارجه آمریکا بود و اهمیت آن در دستگاه دیپلماسی آمریکا به اندازه‌ای بود که رؤسای جمهور آمریکا، عضویت و ریاست افتخاری آن را برعهده داشتند. این نهاد، در هریک از کشورها مدیری داشت که زیر نظر سفیر آمریکا در آن کشور به انجام وظیفه می‌پرداخت و این نشان‌دهنده جایگاه و اهمیت نهاد مذکور در دستگاه دیپلماسی کندی بود (همراز، ۱۳۸۱، ص ۱۰۳).

داوطلبان از میان افراد تحصیل کرده یا دانشجویان انتخاب می‌شدند. در سال اول، دوسوم افراد لیسانس و بقیه فوق لیسانس یا دکتری داشتند. آن‌ها با ورود به شهرها و روستاها در مدارس و ادارات ایران و دیگر کشورها، با آن‌ها زندگی می‌کردند و در کار و آموزش آن‌ها را یاری می‌دادند (اخبار هفته، دوره ۷، ش ۱، مرداد ۱۳۴۱، ص ۴).

کمک به دیگر ملت‌ها برای رفع نیازهایشان با آموزش نیروی انسانی، همچنین کمک به تفاهم بیشتر ملت‌ها، صدور فرهنگ و شیوه زندگی آمریکایی، از اهداف عمده سپاهیان صلح بود (ساکما، ۲۰۳۱۸-۲۹۷).

اعضای سپاه صلح با هدف نفوذ در لایه‌های درونی جوامع توسعه نیافته و شناخت ضعف‌های فرهنگی و اقتصادی آن‌ها و تأثیر گذاشتن بر این جوامع از طریق آموزش و فعالیت‌های فنی و فرهنگی به کار گرفته می‌شدند. به لحاظ نظری می‌توان گفت، پیشینه این گونه طرح‌های

آموزشی و فرهنگی، انعکاسی از این عقیده بود که منافع آمریکا پس از جنگ جهانی دوم از طریق متحد کردن کشورهای جهان سوم با آمریکا و ارائه خدمات اجتماعی تضمین می‌شود. ادوارد برمن، این‌گونه طرح‌ها را شکل پیچیده امپریالیسم فرهنگی می‌داند که در دوران جنگ سرد با کمک فعالیت‌های آموزشی در جهان سوم به تربیت و پرورش افراد مستعد در جهت منافع غرب می‌پرداخت (برمن، ۱۳۷۳، ص ۲۲).

واقعیت این است که دولت کِنِدی از روحیه بشردوستانه‌ای که در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم در بیشتر جوامع پدید آمده بود - و در کشورهای چون کانادا، بریتانیا، فرانسه و ژاپن دیده می‌شد - به بهترین شکلی بهره‌برداری کرد و آمریکائیان را به مبارزه با فقر، استبداد و بیماری‌ها در کشورهای جهان سوم فراخواند (siracusa, 2004, pxi).

اعزام سپاهیان صلح به صورت یک‌طرفه بود و فقط گروه‌های صلح آمریکایی به دیگر کشورها اعزام می‌شدند. این امر بدین معنی بود که دیگر کشورها چیزی برای آموزش به آمریکائیان ندارند (Arendt, 2006, p351). به نظر می‌رسد اعزام سپاهیان صلح برگرفته شده از اعزام هیئت‌های مبلغان مسیحی پروتستان از طرف انجمن آمریکایی کلیسای پرسبیتی باشد؛ زیرا بزرگ‌ترین سرمایه معنوی آمریکا در مشرق‌زمین، از جمله ایران تا جنگ جهانی دوم، از آن مبلغان و معلمان آن کشور بوده‌است. میسیونرها، اولین سربازان دیپلماسی عمومی بودند که فرهنگ و آموزش‌های آمریکایی را در خارج از مرزهای آمریکا اشاعه می‌دادند (Arendt, 2006, p18). به نظر یکی از محققان، پرشمارترین گروه‌های آمریکایی که خواهان پیاده‌کردن «شیوه زندگی آمریکایی» بودند، مبلغان آمریکایی بودند، به طوری که در سال ۱۹۰۰ م. نزدیک به هفت هزار نفر آمریکایی در بیش از ۳۰ کشور جهان سرگرم آموزش کتاب مقدس بودند (شولزینگر، ۱۳۷۹، ص ۴۹).

#### ۴. سپاهیان صلح در ایران

اسدالله علم درباره چگونگی حضور سپاهیان صلح در ایران می‌نویسد: در زمان سفر لیندون جانسون، معاون کِنِدی، در تابستان ۱۳۴۱ م/۱۹۶۲ ش و در طی مذاکراتی که بین او و معاون رئیس‌جمهور آمریکا مطرح شد، درباره حضور سپاهیان صلح در ایران موافقت شد (همراز، ۱۳۸۸، ص ۱۰۶). در مذاکره‌ای دیگر، عباس آرام - وزیر امور خارجه وقت دولت ایران - در تاریخ ۲۵ شهریور ۱۳۴۱ در گفتگویی با سفیر آمریکا، زمینه را برای ورود سپاهیان صلح به ایران فراهم

کرد (اطلاعات، ۲۵ شهریور ۱۳۴۱). قانون مربوط به گروه صلح در بیستم اردیبهشت سال ۱۳۴۳ به شرح زیر به تصویب مجلس شورای ملی و در جلسه روز دوشنبه بیست و پنجم خردادماه یک هزار و سیصد و چهل و سه شمسی به تصویب مجلس سنا رسید:

۱. دولت ایالات متحده، عده‌ای از افراد گروه صلح را که دولت ایران ممکن است تقاضا کند و دولت آمریکا تصویب نماید، برای انجام کارهایی که مورد توافق طرفین باشد، اعزام خواهد نمود. این داوطلبان، تحت نظارت و سرپرستی مستقیم سازمان‌های دولتی یا سازمان‌های خصوصی که دو دولت معین کرده باشند، کار خواهند کرد. دولت ایالات متحده آمریکا، وسایل کارآموزی این عده را فراهم خواهد ساخت تا وظایف مورد توافق طرفین را به نحو مؤثرتری انجام دهند.

۲. دولت ایران نسبت به داوطلبان و اموال آن‌ها رفتار منصفانه خواهد نمود و به آن‌ها مساعدت و تأمین کامل خواهد داد، و با آن‌ها رفتاری خواهد نمود که از آنچه معمولاً نسبت به اتباع دولت آمریکا ساکن در ایران می‌شود، کمتر نباشد و با نمایندگان دولت ایالات متحده آمریکا در تمام امور مربوط به داوطلبان، تشریک مساعی و مشاوره نموده، اطلاعات کامل در اختیارشان خواهد گذاشت.

دولت ایران، داوطلبان را نسبت به وجوهی که برای پرداخت هزینه زندگی خود دریافت می‌کنند و از درآمدی که از خارج کشور ایران به دست می‌آورند، از تمام عوارض گمرکی یا سایر عوارضی که به اموال شخصی آن‌ها که خارج از کشور ایران برای استفاده شخصی در هنگام یا در همان حوالی ورود به ایران آورده‌اند، و از تمام مالیات‌ها و عوارض دیگر (که شامل حق مهاجرت هم هست) به استثنای حق صدور پروانه و مالیات و عوارض که جزو قیمت وسایل و مواد مربوط به کار و خدمات منظور شده، معاف خواهد داشت.

۳. دولت ایالات متحده آمریکا برای این داوطلبان، مقدار محدودی لوازم و اسباب کار که هر دو دولت موافقت کنند که برای حسن انجام کار آن‌ها ضرورت دارد، فراهم خواهد ساخت.

دولت ایران تمام این وسایل و اسباب کار را که به ایران وارد می‌شود، یا دولت آمریکا در ایران فراهم می‌کند، یا مقاطعه کاران با وجوه دولت آمریکا تهیه، از هرگونه مالیات و عوارض گمرکی و سایر عوارض معاف خواهد ساخت.

۴. برای اینکه دولت ایالات متحده بتواند مسئولیت‌هایی را که به موجب این موافقت‌نامه به عهده گرفته انجام دهد، دولت ایران یک نفر نماینده گروه صلح و آن عده از کارمندان

این نماینده و افرادی را که در سازمان‌های خصوصی آمریکایی که برای اجرای مقاصد این موافقت‌نامه با دولت آمریکا قرارداد دارند - و دولت ایران با آن افراد موافقت کند - خواهد پذیرفت. دولت ایران این گونه افراد را از تمام مالیات‌هایی که بر درآمد از خدمت در گروه صلح یا منافع دیگر خارج از ایران عاید آن‌ها می‌شود، و از سایر مالیات‌ها و عوارضی (که شامل حق مهاجرت هم هست) به‌استثنای حق صدور پروانه و مالیات‌ها و عوارضی که جزو قیمت وسایل و مواد مربوط و خدمات منظور شده، معاف خواهد داشت.

دولت ایران به نماینده گروه صلح و کارمندان او نسبت به پرداخت عوارض گمرکی یا سایر عوارض که به اموال و اشیاء مورد استفاده شخصی به ایران وارد کرده‌اند، همان رفتاری را خواهد نمود که نسبت به کارمندان هم‌درجه آن‌ها در سفارت کبرای آمریکا می‌نماید.

دولت ایران به کارمندان سازمان‌های خصوصی که با دولت آمریکا قرارداد دارند، نسبت به پرداخت عوارض گمرکی و سایر عوارضی که به اشیاء و اموال مورد استفاده شخصی به ایران وارد کرده‌اند تعلق می‌گیرد، همان رفتاری که با افراد گروه صلح می‌نماید، معمول خواهد داشت.

۵. دولت ایران تمام وجوهی را که برای مصارف این موافقت‌نامه به‌وسیله دولت آمریکا یا مقاطعه کارانی که با دولت آمریکا قرارداد دارند به ایران وارد می‌شود، و از هرگونه قرار و شرطی که نسبت به سرمایه‌گذاری و ودایع معمول باشد و همچنین از نظارت ارزی، معاف خواهد داشت. این وجوه باید به پول ایران به بهترین نرخی که در ایران غیرقانونی نباشد، قابل تبدیل باشد.

۶. گروه صلح ممکن است یک نفر پزشک جزو کارمندان خود داشته باشد تا امور صحتی (بهداشتی) داوطلبان را زیر نظر بگیرد. برای انجام این کار، این پزشک می‌تواند به نقاطی که افراد گروه صلح مشغول کار هستند، مسافرت کند. این پزشک تاحدودی که وظایف او در گروه صلح اجازه دهد، ممکن است در دستگاه‌های پزشکی دولت کار کند.

۷. نمایندگان صلاحیت‌دار دو دولت می‌توانند در مواقع مختلف نسبت به گروه صلح و برنامه عملیات آن‌ها در ایران به‌منظور اجرای این موافقت‌نامه، ترتیباتی که ضروری یا سودمند باشد، بدهند. تعهد هر یک از دو دولت، مشروط به فراهم‌بودن وجه و قوانین جاریه آن دولت خواهد بود» (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷، ۲۵ خرداد ۱۳۴۳).

به‌طور کلی، مجلس شورای ملی در دوره بیست‌ویکم درباره مسائل فرهنگی و به‌ویژه در

ارتباطات فرهنگی با کشورهای دیگر از جمله ایالات متحده آمریکا، حساسیت خاصی نداشت و این لایحه نیز بدون مخالفتی به اتفاق آراء به تصویب نمایندگان مجلس شورای ملی رسید، و دکتر انصاری -معاون وزارت خارجه- نیز از نمایندگان تشکر کرد که زمینه را برای استفاده کشور ایران از خدمات سپاهیان صلح فراهم می‌کنند (مشروح مذاکرات مجلس، <http://ical.ir/index.=38>). نکته مهم در این موافقت‌نامه، مصونیت سپاهیان صلح از قوانین ایرانی و برخورداری آن‌ها از امتیازات و مزایای دیپلمات‌ها بر اساس ماده چهارم است که کاپیتولاسیون نظامیان آمریکایی را در ایران تداعی می‌کند.

هنوز این موافقت‌نامه به تصویب مجلس شورای ملی نرسیده بود که در ۱۵ شهریور ۱۳۴۱، اولین گروه از داوطلبان سپاه صلح شامل ۱۸ مرد و ۶ زن وارد ایران شدند. اکثر آن‌ها دانش‌آموختگان دانشگاه ایالتی یوتا بودند و بنا به درخواست وزارت فرهنگ در مراکز آموزشی و دانش‌سراهای تربیت‌معلم مشغول به کار شدند (اخبار هفته، ش ۱۰، ۱۳۴۲). به دنبال آن، یک گروه از سپاهیان صلح، مرکب از چهل‌وسه نفر برای تدریس در مدارس متوسطه و دانشکده‌های کشاورزی وارد ایران شدند (طیرانی، ۱۳۷۹، ص ۱۶۰). بنا به نوشته گازیوسکی، تا پایان مأموریت سپاه صلح در ایران، بیش از دو هزار نفر برای آموزش زبان انگلیسی، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، کشاورزی و معماری به ایران آمدند (گازیوسکی، ۱۳۷۳، ص ۲۱۸). امور بهداشتی و پزشکی هم بعدها به حوزه مأموریتی سپاهیان صلح اضافه شد.

به علت گستردگی حوزه‌های فعالیت و نیز افراد گروه صلح، این نهاد آمریکایی در ایران دارای تشکیلات و مراکز مخصوص بود و «اداره گروه صلح»، کار سازمان‌دهی و مدیریت این گروه را بر عهده داشت (ساکما، ۳۳۳۸۲-۲۹۳). رئیس سپاهیان، از آمریکا به تهران اعزام می‌شد و زیر نظر سفارت آمریکا فعالیت می‌کرد. سپاهیان صلح، در بدو ورود، در آموزشگاهی در مامازن ورامین به تکمیل آموزش‌ها و آشنایی با زبان فارسی و فرهنگ ایرانی اقدام می‌کردند و پس از تکمیل آموزش‌ها، تعیین جا و به محل مأموریت خود اعزام می‌شدند. نیازسنجی و جمع‌آوری اطلاعات از اقدامات عمده و اولیة سپاهیان صلح برای شروع فعالیت بود. این کسب اطلاعات گاه به اندازه‌ای بود که از حدود اختیارات آن‌ها فراتر می‌رفت و حتی اسباب نگرانی برخی مسئولین محلی را فراهم می‌کرد. برای نمونه، استانداری سمنان در سال ۱۳۵۳ گزارش کرد که گروه صلح، پرسش‌هایی را از بخشداران این استان به شرح زیر پرسیده‌اند:

- چطور شد این شغل را انتخاب کردید؟

- قبل از بخشدار شدن چه کاره بودید؟

- حدود بخش کجاست؟

- وسیله ارتباطی شما چیست؟

- نیازهای بخش شما چه چیزهایی هستند؟ (ساکما، ۵۴۴۰۴-۲۹۳).

آموزش و پرورش - با توجه به تأثیرگذاری سپاهیان صلح روی نسل نوجوان و جوان - از زمینه‌های اصلی فعالیت سپاهیان صلح در ایران بود. تعداد زیادی از آن‌ها در این نهاد سازمانی و حتی در دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی مشغول به کار می‌شدند. با توجه به کمبودهای فراوان دولت در این زمینه و توانایی مالی و آموزشی سپاهیان در بسیاری از استان‌ها، امر آموزش، زمینه کاری بیشتر سپاهیان صلح را تشکیل می‌داد. برای نمونه بخشداری کن گزارش داده بود که گروه صلح آماده است، ۲۵ باب دبستان تا خرداد سال ۴۶ و ۳۵ باب دیگر را تا بهمن سال ۴۶ در نقاط فاقد دبستان احداث کند (ساکما، ۳۳۳۸۲-۲۹۳).

دولت ایران از حضور سپاهیان صلح در ایران استقبال می‌کرد؛ به طوری که، وزارت آموزش و پرورش درخواست اعزام پنجاه نفر نیرو برای آموزش‌های کودکانی کرد (آشنا، ۱۳۸۴، ص ۶۲). مخاطب سپاهیان صلح بیشتر طبقات متوسط و پایین شهری و روستایی بود. حضور آن‌ها در ایران قابل توجه بود و مسئولین و کارگزاران دولت پهلوی هم نقش پررنگی در همکاری با آنها و پشتیبانی از فعالیت‌های آنها داشتند.

سارجنت شرایور، رئیس سپاه صلح آمریکا در سال ۱۳۴۲ برای کنفرانس منطقه‌ای سپاهیان صلح به تهران آمد. وی ضمن ملاقات با محمدرضا پهلوی، در یک کنفرانس مطبوعاتی، نحوه کار، اهداف و عملکرد سپاهیان صلح را تشریح کرد (اطلاعات، ۲۸ دی ۴۲). در کنفرانسی که در اصفهان برگزار شد، حدود شصت نفر از سپاهیان صلح - که در یک سال قبل از آن مشغول تدریس زبان انگلیسی بودند - شرکت کردند. آن‌ها تصمیم گرفتند که در سال بعد هم به فعالیت خود در ایران ادامه دهند (ساکما، ۳۶۰۱۵-۲۹۷).

برنامه گروه صلح علاوه بر تدریس زبان، آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای را در زمینه‌های مختلف نیز شامل می‌شد؛ برای نمونه، آن‌ها در امور راه و ساختمان استان فارس حضور داشتند (ساکما، ۱۱۰۹-۳۵۰)؛ همچنین با کشاورزان و روستائیان منطقه نیز تماس مستقیم برقرار

کردند. بر اساس اسناد باقیمانده، یکی از اعضای سپاه صلح به نام جیمز اندیکت در سال ۱۳۵۳ در سمت معلم عشایری از شیراز وارد فیروزآباد شده بود (ساکما، ۴۳۹۳-۲۹۳-۹۸).

استان فارس، یکی از مناطقی بود که بعد از تهران بیشترین حضور و فعالیت گروه صلح در آن ثبت شده است. دانشگاه پهلوی (شیراز)، کانون فعالیت و پژوهش و تدریس بسیاری از اعضای سپاهیان صلح در زمینه‌های مختلف بود. شهرستان‌های استان مزبور نیز شاهد حضور و فعالیت گسترده اعضای سپاهیان بود (ساکما، ۴۳۹۳-۲۹۳-۹۸). سپاهیان صلح در زمینه کشاورزی، حضوری پررنگ داشتند. نمونه‌ای از همکاری گسترده اعضای گروه صلح در طراحی و اجرای پروژه عمران منطقه‌ی داراب است. در این پروژه، تکنسین‌های اعضای سپاهیان صلح در برنامه‌های مختلفی حضور داشتند که برخی از آن‌ها به شرح زیر است:

- برنامه‌های آموزشی برای کارمندان وزارت کشاورزی و کشاورزان؛
- اجرا و کشت مزارع نمونه؛
- برنامه درخت کاری و باغبانی در روستاها و مزارع؛
- تحقیقات و مطالعات در زمینه آب و خاک؛
- اجرای مطالعات بازاریابی؛
- آموزش به کارگیری ماشین‌آلات کشاورزی و چگونگی نگهداری و تعمیر آن‌ها با هدف مکانیزه کردن کشاورزی؛
- آموزش آبیاری؛
- آموزش پرورش دام و طیور؛
- آموزش استفاده از کود شیمیایی و... (ساکما، ۵۱۱۴-۲۹۳-۹۸).

استان کرمان نیز از دیگر مناطقی بود که حضور و فعالیت سپاهیان صلح در امور کشاورزی، آموزشی و بهداشتی و... در آن بسیار پررنگ بود. آقای گلین فیش بک، رئیس گروه صلح آمریکا در ایران به منظور سرکشی به افراد گروه در تاریخ ۲۱ آبان ۱۳۴۵ وارد کرمان شد و از شهرستان‌های ماهان، بم، جیرفت، بافت، سیرجان، بردسیر و رفسنجان بازدید کرد و سپس عازم یزد شد (ساکما، ۱۸۰۰-۲۹۳-۹۹).

یکی از مسئولین گروه صلح در ایران، در گزارشی به کشور خود نوشت: ما معتقدیم زندگی جوانان تحصیل کرده آمریکا در کنار معلمان ایرانی، تأثیر مفیدی در مردم طبقه متوسط و تحصیل کرده ایرانی دارد. مضافاً اینکه این اشخاص می‌توانند با استفاده از افراد گروه صلح،

زبان انگلیسی را فراگیرند و از این راه رضایت بیشتری حاصل شود (ساکما، ۲۰۳۱۸ - ۲۹۷). در مجموع در دوره زمانی ۱۳۴۱ الی ۱۳۵۶ ش، حدود ۲۰۰۰ نفر در ایران در سپاه صلح مشغول به کار بوده‌اند (آشنا، ۱۳۸۲، ص ۱۴۳). جیمز بیل درباره اهداف و عملکرد سپاهیان صلح می‌نویسد: «حدود هزاران نفر از آن‌ها به روستاهای ایران رفتند و با مردم ایران در مناطق مختلف کار و زندگی کردند.» سپاه صلح در ایران، عموماً متضاد «آمریکایی زشت» بود و تا اندازه‌ای اعتباری را که آمریکا به شدت نیاز داشت، به دست آورده بود (بیل، ۱۳۷۱، ص ۲۴۳). سپاهیان صلح در ایران با همکاری انجمن ایران و آمریکا در زمینه آموزش و ترویج موسیقی، تئاتر و ورزش‌هایی مانند فوتبال و بسکتبال هم فعالیت می‌کردند. آن‌ها با تشکیل چنین تیم‌هایی، زمین و مربی آن‌ها را هم تأمین می‌کردند (Arendt, 2006, p410). همسران مدیر سپاهیان صلح در ایران، در زمینه آموزش و ترویج موسیقی آمریکایی بسیار فعال بودند؛ در این باره به دانشکده هنرهای زیبای تهران کمک و زمینه استخدام چند نوازنده آمریکایی را فراهم کردند. برنامه‌های موسیقی‌ای مانند: The Fanta sticks Guys and dolls، و The music man را برگزار کردند؛ همچنین یکی از آن‌ها با نام شوترمن، گروه جاز انجمن ایران و آمریکا را ایجاد کرد (Arendt, 2006, p351).

نکته جالب توجه، الگوگیری دولتمردان پهلوی و شخص شاه در ایجاد نهادهایی شبیه سپاهیان صلح بود. یکی از اصول انقلاب سفید شاه، تشکیل سپاهیان دانش، بهداشت و آبادانی بود که در تاریخ ۲۲ دی ۱۳۴۳ به تصویب مجلس شورا رسید. همچنین در تاریخ ۲۸ بهمن ۱۳۴۹ مجلس، قانونی را تصویب کرد که بر اساس آن، ۲۳ خرداد روز لژیون (گروه)<sup>۱</sup> خدمتگزاران بشر نام‌گذاری شد. این قانون از سخنرانی شاه در دانشگاه هاروارد آمریکا برگرفته شد که پیشنهاد داده بود داوطلبانی از جوانان دنیا برای «برنامه پیشرفت و توسعه ملل متحد» تشکیل شده و برای فعالیت‌های بشردوستانه به سراسر جهان اعزام شوند (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۷، جلسه ۲۸ بهمن ۱۳۴۹).

با وجود طراحی و اجرای برنامه‌های متعدد و صرف هزینه‌های گزاف در راستای دیپلماسی عمومی از سوی دولت آمریکا، نتیجه این برنامه‌ها چندان رضایت‌بخش نبود. بین اқشار و طبقات مختلف که مخاطب برنامه‌های فرهنگی-اجتماعی آمریکا بودند، اқشاری از طبقه مرفه و بالای

1. Legion



جامعه، جذب این برنامه‌ها می‌شدند، اما اکثریت جامعه، بنا به دلایل مختلف، موضع مخالفی در برابر این برنامه‌ها داشتند. ویلیام سولیوان، سفیر آمریکا در تهران می‌گوید: بیشتر ایرانیانی که میل داشتند با آمریکایی‌ها معاشرت داشته باشند، کسانی بودند که به‌نحوی علاقه و دل‌بستگی به آمریکا داشتند؛ ولی اکثریت مردم چنین نبودند (سولیوان، ۱۳۸۴، ص ۶۲).

ابوالحسن ابتهاج از کارگزاران حکومت پهلوی که مدت‌ها مدیریت سازمان برنامه‌بودجه دولت را در دهه ۱۳۳۰ بر عهده داشته‌است، در یک سمینار بین‌المللی دربارهٔ جو ضدآمریکایی اکثریت مردم ایران چنین بیان می‌کند: «تا چند سال قبل، آمریکا بدون اینکه یک شاهی به ایران کمک کند، بیش از هر کشوری بین مردم ایران محبوبیت داشت؛ ولی امروز باوجود یک میلیارد دلار کمک‌های گوناگون به کشور ما، نه محبوبیتی دارد و نه احترامی؛ برعکس، اغلب مردم ایران، اعتمادی نسبت به آمریکا ندارند و بسیاری از آن‌ها از آمریکا متنفرند» (ابتهاج، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۴۸۶).

در عرصهٔ مطبوعات و کتاب نیز به رگه‌های فراوانی از احساسات ضدآمریکایی برمی‌خوریم. کتاب یادداشت‌های شهر شلوغ نوشتهٔ فریدون تنکابنی از جمله نمونه‌های این احساسات ضدآمریکایی است (بیل، ۱۳۷۱، ص ۲۹۱). ویلیام سولیوان به احساسات ضدآمریکایی افشار جوان و تحصیل کرده و به‌ویژه دانشجویان با تعجب و شگفتی نگاه می‌کند و در این باره چنین می‌نویسد: «باوجود همکاری دانشگاه‌های آمریکایی با دانشگاه‌های ایران و حضور اساتید آمریکایی در این دانشگاه‌ها، تظاهرات در دانشگاه‌های ایران به‌طور روزافزونی رنگ ضدآمریکایی به خود می‌گرفت. اتهام اصلی آمریکا این بود که حامی و پشتیبان اصلی شاه است، و شاه نوکر و دست‌نشاندهٔ آمریکاست» (سولیوان، ۱۳۸۴، ص ۶۲).

در سال‌های منتهی به انقلاب، مراکز و ساختمان‌های وابسته به آمریکایی‌ها آماج حملات تظاهرکنندگان و گروه‌های مسلح انقلابی قرار گرفتند. در ۸ دی ۱۳۵۶، بمبی در ساختمان انجمن ایران و آمریکا در اهواز در اعتراض به سفر کارتر به ایران منفجر شد؛ همچنین در دهم دی‌ماه همان سال، در تهران، دانشجویان ضمن تظاهرات خود به ساختمان انجمن دوستداران آمریکایی خاورمیانه هجوم بردند (احیایی، ۱۳۸۹، ص ۵۲۱).

جلال آل‌احمد که به‌طور کلی، سیاست‌های فرهنگی آمریکا را در ایران با سوءظن بررسی و تحلیل می‌کرد و آن‌ها را زمینه‌ای برای غرب‌زده کردن ایرانی می‌دید، در سفر خود به دانشگاه

هاروارد و شرکت در سمینار سالانه آن در سال ۱۳۴۴، در پاسخ به سؤال سروان شرایور رئیس سپاه صلح، دربارهٔ عملکرد آن‌ها در ایران می‌گوید: «ما این حضرات را جدی نمی‌گیریم، چون با زندگی اشرافی خودشان از نظر یک دهاتی ایرانی که می‌خواهند به او کمک کنند، تلاش در خلأ می‌کنند و مثل مالک‌ها در شهر زندگی می‌کنند» (آل احمد، ۱۳۸۰، ص ۲۲۸).

مهم‌ترین عامل شکست دیپلماسی عمومی آمریکا در ایران را باید تعارض بین دیپلماسی عمومی و دیپلماسی رسمی آن کشور دانست. در حالی که دیپلماسی عمومی آمریکا بر ارزش‌های دمکراتیک و آزادی خواهانه تأکید می‌کرد و آمریکا را کشوری معرفی می‌کرد که مهد آزادی‌های مدنی، اجتماعی، و سیاسی است، و دولت و ملت آمریکا هدفی جز گسترش این گونه آزادی‌ها و رفاه اقتصادی و اجتماعی برای کشورهای دیگر جهان ندارند؛ ولی در عمل، دیپلماسی رسمی آمریکا نه تنها به اشاعهٔ این ارزش‌ها کمکی نمی‌کرد، بلکه با دخالت‌های سیاسی و نظامی در دیگر کشورها باعث سرکوبی جنبش‌های آزادی خواهانه و ضداستعماری می‌شد و به جای حمایت از مردم، به حمایت از رژیم‌های دیکتاتوری اقدام می‌کرد. حمایت همه‌جانبهٔ آمریکا از رژیم شاه با وجود آن همه شعارهای حقوق بشری و آزادی خواهانه، قابل توجیه نبود.

پشتیبانی آمریکا از رژیم نامشروع اسرائیل، برای مردم ایران و به ویژه اقشار مذهبی و روحانیت - که اکثریت جامعه را تشکیل می‌دادند - تنفرآمیز بود. حوادث دیگری مانند دخالت در کشورهای دیگر، جنگ آفریزی در ویتنام و دیگر کشورها از دید اقشار تحصیل کرده و چپ‌گرا، چیزی جز ادامهٔ امپریالیسم در شکل نوین آن نبود.

با شروع تظاهرات عظیم انقلاب اسلامی، فعالیت سپاهیان صلح در ایران به پایان رسید. فعالیت سپاه صلح در دیگر کشورها، تا به امروز با فراز و نشیب ادامه دارد، هر چند برخی از رویدادها مثل واترگیت و جنگ ویتنام در دههٔ ۱۹۷۰ آن را تضعیف کرد؛ ولی در سال‌های بعد، رونالد ریگان آن را احیا کرد و فعالیت‌های آن همچنان تداوم دارد.

### نتیجه‌گیری

دیپلماسی عمومی به‌عنوان یک رویکرد جدید برای تکمیل دیپلماسی رسمی آمریکا مورد توجه رئیس‌جمهور آمریکا، جان اف. کندی قرار گرفت. سپاه صلح، یکی از ده‌ها ابزاری بود که دولت آمریکا در آغازین سال‌های دههٔ ۶۰ میلادی/چهل شمسی برای بهبود وجههٔ خود در بین

ملت‌های جهان سوم و مقابله با تهدید کمونیسم، سعی در بهره‌برداری از آن‌ها داشت. دولت ایران به دلیل ماهیت وابستگی خود به ایالات متحده آمریکا، برای بهره‌بردن از کمک‌های آموزشی و فنی سپاه صلح، از حضور آن‌ها استقبال و قانون مربوط به حضور و فعالیت آن‌ها را در مجلس بیست و یکم شورای ملی تصویب کرد. سپاه صلح با نفوذ در لایه‌های درونی جوامع توسعه‌نیافته و شناخت ضعف‌های فرهنگی و اقتصادی آن‌ها و کمک به رفع این کمبودها، به‌منظور تأثیرنهادن بر این جوامع از طریق آموزش و فعالیت‌های فنی و فرهنگی به‌کار گرفته شد. باوجود تمامی اقدام‌های دولت آمریکا در نفوذ و جلب افکار عمومی ایرانیان، واقعیت این است که هرچه به سال‌های میانی دهه پنجاه نزدیک می‌شویم، موج آمریکاستیزی ایرانیان - به دلیل حمایت آمریکا از رژیم شاه و اسرائیل و سلطه بر امور سیاسی و اجتماعی ایرانیان - افزایش یافت و ایالات متحده از برنامه سپاه صلح و دهه برنامه دیگر بهره‌ای نبرد.

## منابع

## الف. اسناد

- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما): ۴۳۹۳-۲۹۳-۹۸؛ ۵۱۱۴-۲۹۳-۹۸؛ ۱۸۰۰-۲۹۳-۹۹؛ ۲۰۳۱۸-۲۹۷؛ ۳۳۳۸۲-۲۹۳؛ ۵۴۴۰۴-۲۹۳؛ ۳۶۰۱۵-۲۹۷؛ ۳۵۰-۱۱۰۹.

## ب. کتاب‌ها

- آشنا، حسام‌الدین. (۱۳۸۴). *دیپلماسی عمومی*؛ (کتاب آمریکا ۶). (رضداد درویش، گردآوری). تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- آل احمد، جلال. (۱۳۸۰). *سفر آمریکا*. تهران: نشر آینه - کتاب سیامک.
- ابتهاج، ابوالحسن. (۱۳۷۱). *خاطرات ابوالحسن ابتهاج*. (ج ۲). (علیرضا عروضی، کوششگر). تهران: انتشارات علمی.
- برمن، ادوارد. (۱۳۷۳). *کنترل فرهنگ: نقش بنیادهای کارنگی، فورد و راکفلر در سیاست خارجی آمریکا*. (حمید الیاسی، مترجم). تهران: نشر نی.
- بیل، جیمز ا. (۱۳۷۱). *شیر و عقاب: روابط بدفرجام ایران و آمریکا*. (فروزنده برلیان، مترجم). تهران: نشر فاخته.
- پهلوی، فرح. (۱۳۸۲). *دختر یتیم: فرح پهلوی*. (احمد پیرانی، کوششگر). تهران: نشر به‌آفرین.
- توسعه در ایران ۱۳۵۷ - ۱۳۳۰ / *خاطرات خداداد فرمانفرمایان، عبدالمجید مجیدی، منوچهر گودرزی*. (۱۳۸۱). تهران: گام نو.
- سولیوان، ویلیام؛ پارسونز، سرآنتونی. (۱۳۸۴). *خاطرات دو سفیر: اسراری از سقوط شاه و نقش آمریکا و انگلیس در انقلاب ایران*. (محمود طلوعی، مترجم). تهران: نشر علم.
- شوکراس، ویلیام. (۱۳۶۹). *آخرین سفر شاه: سرنوشت یک متحد آمریکا*. (عبدالرضا هوشنگ) مهدوی، مترجم). تهران: نشر البرز.
- شولزینگر، رابرت د. (۱۳۷۹). *دیپلماسی آمریکا در قرن بیستم ۱۹۹۷-۱۸۹۸*. (محمد رفیعی مهرآبادی، مترجم). تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

- شیلر، هربرت. (۱۳۹۰). *ارتباطات و سلطه فرهنگی*. (کازم معتمد نژاد، مترجم). تهران: نشر علم.
- صبوری، ضیاءالدین. (۱۳۹۰). *قدرت نرم آمریکا در حوزه سیاست خارجی و امنیتی (مبانی، تحولات و پیامدها)*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- طیرانی، بهروز. (۱۳۷۹). *روزشمار روابط ایران و آمریکا (۱۳۴۸ ق. - ۱۳۷۷ش. ۱۹۹۹ - ۱۸۳۲م.)*. تهران: وزارت امور خارجه (مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی).
- علی‌پور، جواد. (۱۳۹۰). *نقش قدرت نرم در سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران: از نرم‌افزارگرایی کلینتون تا سخت‌افزارگرایی بوش*. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- کندی، جان فیتز جرال. (۱۳۴۲). *استراتژی صلح*. (عبدالله گله‌داری، مترجم). تهران: شرکت سهامی افست.
- کیانوری، نورالدین. (۱۳۷۲). *خاطرات نورالدین کیانوری*. تهران: انتشارات اطلاعات.
- گازیوروسکی، مارک. ج. (۱۳۷۳). *سیاست خارجی آمریکا و شاه: ایجاد یک حکومت سلطه‌پذیر در ایران*. (جمشید زنگنه، مترجم). تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- میلانی، عباس. (۱۳۸۰). *ابوالهول ایرانی: امیرعباس هویدا و معمای انقلاب ایران*. (عبدالرضا هوشنگ مه‌دوی، مترجم). تهران: نشر پیکان.
- نای، جوزف اس. (۱۳۸۹). *قدرت نرم*. (محسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، مترجمان). تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- نجاتی، غلامرضا. (۱۳۷۳). *ماجرای کودتای سرلشکر قرینی*. تهران: رسا.
- همراز، ویدا. (۱۳۸۱). *بررسی اهداف و عملکرد اصل چهار ترومن (هیئت عملیات اقتصادی آمریکا در ایران)*. تهران: وزارت امور خارجه.

### ج. نشریات و مقالات

- آشنا، حسام‌الدین. (۱۳۸۴). «سال شماری دیپلماسی فرهنگی آمریکا در ایران». فصلنامه *مطالعات تاریخی*، ش ۹، پاییز ۱۳۸۴.
- همراز، ویدا. (۱۳۸۸). «تحلیلی بر فعالیت سپاه صلح کندی در ایران ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۵ شمسی». فصلنامه علمی-پژوهشی *تاریخ*، س ۴، ش ۱۳.

• اخبار هفته، ش ۱۰، ۱۳۴۲

• اطلاعات، ۲۵ شهریور ۱۳۴۱

• اطلاعات، ۲۸ دی ۴۲

• اخبار هفته، دوره ۷، ش ۱، مرداد ۱۳۴۱، ص ۴

### ج. پایان نامه

• آشنا، حسام‌الدین. (۱۳۸۲). «فرهنگ، ارتباطات و سیاست خارجی (دیپلماسی

فرهنگی آمریکا در ایران ۱۳۳۲ - ۱۳۵۷)»، پایان‌نامه دکتری ارتباطات، دانشگاه

امام صادق(ع).

### د. لوح فشرده

• مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۳۸۷). نرم افزار لوح حق (کاملترین

مجموعه قوانین و مقررات کشور).

### ذ. منابع اینترنتی

• مشروح مذاکرات مجلس

[http://ical.ir/index.php?option=com\\_mashrooh&view=session&id=23796&Itemid=38](http://ical.ir/index.php?option=com_mashrooh&view=session&id=23796&Itemid=38)

### ر. منابع لاتین

- Arendt, Richard T. (2006). *The First Resort of Kings: American Cultural Diplomacy in the Twentieth Century*. Potomac books, inc. washington, D. C.
- Barnes, John A. (2005). *John F. Kennedy on Leadership: The Lessons and Legacy of a President*. amacom, new york.
- Blake, Kristen. (2009). *The u.s.-Soviet Confrontation in Iran (1945-1962): a case in the annals of the Cold War*. university press of America, (lanham, Boulder, New York, Toronto).
- DSA, department of state airgram from: embassy Tehran to: the department of state, Washington.

- *Foreign relation of the united states-Iran* (1958-1960). (Vol. XII). (1993). Washington Government printing office.
- Laklan, carli, (1970). *Serving in The peace corps*. united states of America, rutledge books.
- Rugh, William a. (2009). *Toward a new public diplomacy (redirection u. s. foreign policy)*, (the case for soft power). (edited by: Philip seib). palgrave macmilan us.
- Siracusa, joseph m. (2004). *the kennedy years, facts on file*. inc, new York.